



حضرت روح الله

منازل کائنات والوالات

سید وحید موسویان

موسویان . وحید ۱۳۵۸ -
حضرت روح الله (انسان کامل قمرالولایه) / وحید موسویان . - مشهد :
جوان یاوران ، ۱۳۸۵ .
[۳۵۲] ص .

ISBN:964-8933-01-4

بهاء : ۱۶۰۰۰ ریال
فهرست نویسی بر اساس اطلاعات فیبا .
کتابنامه : ص . [۲۴۹ - ۲۵۱] : همچنین به صورت زیر نویس
۱ . خمینی ، روح الله ، رهبر انقلاب و بینندگان جمهوری اسلامی ایران ، ۱۳۷۹ -
۱۳۶۸ - نقد و تفسیر . کف . عنوان .
۶۸۳ / م ۸۳ / DSR ۱۵۷۶ ۹۵۵ / ۰۸۲۲
کتابخانه ملی ایران ۷۸۲۰ - ۸۵ م



مؤسسه انتشارات
جوان یاوران

نام کتاب : حضرت روح الله (انسان کامل قمرالولایه)

مؤلف : سید وحید موسویان

ناشر : نشر جوان یاوران

تیراژ : ۲۱۰۰ جلد

نوبت چاپ : اول بهار ۱۳۸۵

تعداد صفحات : ۲۵۲

قطع : رقعی

چاپ و صحافی : دقت

قیمت : ۱۶۰۰ تومان

شابک : ۹۶۴-۸۹۳۳-۰۱-۴

مرکز پخش : مشهد مقدس ، خیابان امام خمینی ، امام خمینی ۱۶ ، پلاک ۲۴۴

موسسه فرهنگی هنری سالك نور تلفن : ۲۲۳۱۳۸۹

فهرست

مقدمه	۷
فصل اول / انسان حقیقی و حقیقت انسانی	۱۵
فصل دوم / عرفان حماسی طریق تکامل انسانی	۲۳
فصل سوم / امام خمینی انسان کامل قهرمان اسفار اربعه	۳۹
فصل چهارم / روح الله - خلیفه الله	۵۲
فصل پنجم / حقیقت همیشه زنده	۷۲
فصل ششم / آیه الثقلین	۸۱
فصل هفتم / نهضت خونین خمینی تجلی آرمان حماسه خمینی	۹۰
فصل هشتم / احادیث امامان و بشارت‌های گذشتگان	۹۷
فصل نهم / حکومت الهی ثمره نهضت حسینی	۱۷۴
فصل دهم / حکومت اسلامی و ولایت فقیه ره آورد نهضت امام خمینی (ره)	۱۳۳
فصل یازدهم / ابتلائات و امتحانات الهی زندگی حضرت امام خمینی	۲۰۸
فصل دوازدهم / هجرت خورشید	۲۳۵
فهرست تفصیلی	۲۴۳
منابع	۲۴۹



﴿ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ﴾

مقدمه :

الحمد لله و سبحانك اللهم صل علي محمد و آله مظاهر جلالك و
جمالک و خزائن اسرار کتابک الذي تجلي فيه الاحدية بجميع اسمائك
حتي المستأثر منها الذي لا يعلمه غيرك و اللعن علي ظالمهم اصل
شجرة الخبيثة.

درود و سلام ازلی و ابدی رب العالمین بر وجود مبارک و روح مطهر و منور
حضرت روح الله، خمینی کبیر و فرزندان معنوی اش شهیدان راست قامت انقلاب
و دفاع مقدس ایران اسلامی و خاصه بر ولی و وصی بزرگوارش قائدنا العزیز آیت
الله سید علی خامنه ای (حفظه الله تعالی)

گفته اند «جان پرور است قصه ارباب معرفت» ، این نوشتار غم عشق یار
است که بر زبان قلم عقل جاری می شود و درد دلی است با یاوران حقیقی
حضرت امام خمینی این یادگار آخرالزمانی امیر لشکر عشق، حضرت حسین بن
علی (علیه السلام) که به ملت عاشورایی و جوانان الهی امت اسلامی در این روزگار هدیه
و هبه گردید که هنوز چشم عالم به انسانهایی که تا سر حد جان بر عهد و میثاق





مقدمه حضرت روح الله

با او باقی‌اند روشن و منور است ، اهل ولایی که همراه مردان خدا همچنان
سروده و می‌سرایند:

آنچنان مهر توام در دل و جان جای گرفت

که اگر سر برود مهر تو از جان نرود

بسبجیان و یاوران امام عصر «عجل الله تعالی فرجه» به یقین می‌دانند و می‌یابند
که طریق عشق مع الولاية و الى الشهادة است. و قلّه فنا آن عنقای مغرب
عشق حضرت «روح الله» را جز با سرسپردگی بر آستان ولایت ولی امر که امتداد
ولایت تشریعی و ظهور ولایت باطنی آل الله است نمی‌توان دریافت ، و وصول به
شاهراه ولایت و کمال انسانیت جز از طریق اطاعت و محبت حاصل نشود، و این
همان راهی است که شهیدان جاودان تاریخ پیموده‌اند.

باید گفت: روزگاری است که دل هوای روایت حدیث یار را در خود
می‌پروراند؛ حدیث محبت دل به دلدار و مرید به مراد ؛ اما هر بار شهاب ثاقب
عقل او را از ورود به دایره پرشور و شزاره عشق حضرت امام «روح الله» باز
می‌دارد و او را نهیب می‌زند گردش قلم را متوقف کنید که:
طریق عشق طریق عجب خطرناک است

نعوذ بالله اگر ره به مقصدی نبری

لا جرم در دیار عقلا باید دم درکشید و از حقایق وجودی خلیفه خدا امام
خمینی با سکوت گذر کرد و ...

عاقلان نقطه پرگار وجودند ولی عشق داند که در این دایره سرگردانند

«حافظ»



حضرت روح الله مقدمه

اما با تاسی به علمدار لشکر حضرت روح الله، شهید سید مرتضی آوینی آنچه مستند و قابل بیان بود را به چکامه سیاه قلم عقل کشانیدیم و در جواب منکران و جاهلان و ... همانند او نوشتیم: « آیا من بیش از حد خویش حجاب تقیه را ندیده ام؟ نمی دانم! اما هر چه هست تصور می کنم که روزگار بیان این سخنان رسیده است. »

روزها و ماههاست که دل در انتظار نشسته است تا کسی از در درآید و ذکرى از آن یار سفر کرده به حقیقت گوید اما دریغ از قطره آبی که رندان تشنه لب را سیراب جام ناب ولی شناسی نماید هر چند که هر آنچه در گفتارها و نوشتارها آمده و بیاید به قدر همت صاحب آنهاست نه آن جناب، که هر کسی از ظن خود یار اوست، شاید این نوشتار به مذاق مصلحت اندیش عقلاى قوم خوش نیاید که خواهند گفت چرا در حضور نامحرم سخن از راز صاحب حرم می گویند؟! و یا برای مفاهیم مصداق تعیین می کنید؟!

صد البته سخن از روح و روح الله برای اهل خور و خواب هم قابل تصور و تصدیق و تطبیق نخواهد بود و خواهند گفت که این مطالب غلو است و ... اما این کلمات بسیار مختصر تذکره و تذکری است برای یاوران امام عصر و رهروان راه امامت و ذکر یادی است از فاطمیون این عصر، آنانیکه در مسیر عشق امام و مکتب شهادت جان باختند و بر آستان قرب معبود رسیدند که باید به آنان و پیشوای شاهد و شهیدشان عرض نمود:

« السلام عليك يا روح الله و على الارواح التي حلت بفنائك » چرا که او

نیز روح خود را به « فنا » حضرت « ثارالله » حسین فنا و فدا کرده بود و خود





واسطه فیض و پل اتصالی بود برای مجاهدان آخر الزمانی دین حق به سوی کربلای حسین(ع). قلم عقل نیک می‌داند هر چه بنویسد و بخواند و بداند در این وادی راه به جایی نبرد که معمای عشق وصف شدنی نیست و آنکه از حجاب خودی خود نرهیده و به درک لذت عشق و جنون نرسیده، چگونه می‌تواند آن مظهر تمام خوبیها و «روح بزرگ زمان ما» را در آغوش گیرد، آن عزیزی که مدرسه عشق این خانه خدایی را برای مردان خدایی بنا نهاد و نهال این شجره طیبه و درخت پاک را در دل اهل دل غرس نمود و با عطر وجود و دم مسیحايش آن را آبیاری کرد تا میوه شهادت را از این بوستان بچیند و به محضر باغبان مطلق بوستان محبت عالم تقدیم نماید که خود در وصف یارانش، فرزندان کربلای پنج فرمود: «چه غافلند دنیا پرستان و بی‌خبران که ارزش شهادت را در صحیفه‌های طبیعت جستجو می‌کنند و وصف آن را در سروده‌ها و حماسه‌ها و شعرها می‌جویند و در کشف آن از هنر تخیل و کتاب تعقل مدد می‌خواهند و حاشا که این معما جز به «عشق» میسر نگردد که بر ملت ما آسان شده است.»^۱ آری حدیث عشق به قلم در نیاید و بیهوده نیست که گفته‌اند:

بسی گفتیم و گفتند از شهیدان

شهیدان را شهیدان می‌شناسند

این مسأله در شناخت امام شهیدان هم صادق است که بسی گفتیم و گفتند از ... اینجا عرصه ای است که خود می‌فرماید: «این جا صحبت عشق است و



عشق، و قلم در ترسیمش بر خود بر می شکافد^۱ و از خود می پرسیم چگونه از رند بی نام نشانی سخن برانیم که حاضر غائب و ظاهر و باطن است لذا گوش به سروش علمدار فتح داده که آنجا دیگر از نهیب عقل خبری نیست و همچو او می گوئیم: لاجرم کار به خامی و جوانی خویشتن وا گذاشتیم و از آن بیش بر توکل و امید دستگیری روح قدسی حضرتش، و گفتیم هر چه بادا باد.

این حقیر نیز البته آن همه جوان نیست که این بی پروائی او را برازنده باشد اما پروانه چه سان از پروانگی پروا کند و با آن هم شوق و امید لطف که دارد؟ تو می بینی او را که بی پروا بال و پر به آتش می سپارد و سر و جان می یازد و نامش «پروانه» می کنی اما او عاشق است و پروانگی صفت عشق است ... عاشق می داند که سوختن مقدمه وصل است که چنین بی پرواست، و گر نه سوختن و الله که درد دارد و سوز.^۲

شهر خالی است ز عشاق بود کز طرفی

مردی از خویش برون آید و کاری بکند

از عشق که بگذریم در عالم برهان و استدلال هم راهی برای فهم معرفتی هر موجود و مراتب و ابعاد وجودی او وجود دارد لذا باید پرسید حضرت امام خمینی را چگونه بشناسیم؟ که جواب چنین است که ایشان به حق یکی از مصادیق اولی الامر هستند و ولی امر خود خویشتن چنین را معرفی می نماید: قال

۱- همان، ج ۲۱، ص ۱۴۷

۲- شهید سید مرتضی آوینی، فردایی دیگر، ص ۱۳۹



امیر المؤمنین علیه السلام «اعرفوا الله بالله وَ الرِّسُولَ بِالرِّسَالَةِ وَ اُولَى الامرِ بِالامرِ بِالْمَعْرُوفِ وَ الْقَدْرِ وَ الْاِحْسَانِ»^۱

امام صادق علیه السلام فرمودند که امام علی علیه السلام فرمودند: خدا را به خدا بشناسید و رسول را به رسالت و صاحب امر را به امر به معروف و عدالت و نیکوئی کردن. حضرت امام در شرح حدیث ۳۷ کتاب چهل حدیث خود در ذیل همین کلام شریف بدین مضمون می‌فرمایند: مقام عرفان اولی الامر «بالامر بالمعروف و القدر و الاحسان» ترتیب بدیعی دارد که موقوف به تفصیل مقام ولایت است.^۲ آری آنکه امر به تمامی خوبیها و معارف و معروفهاست و عدالت را در اقامه همه این معروفها می‌بیند و صاحب مقام احسان است او «ولی امر» است و احسان را آنگونه که فرموده‌اند از قول رسول مکرم اسلام: «الاحسانُ أَنْ تُعْبُدَ اللَّهَ كَأَنَّكَ تَرَاهُ» احسان آن است که آنگونه عبادت خدای کنی که گویا او را می‌بینی و این مقام حضور تام عابد را طلب می‌کند که کأن پروردگارش را مشاهده می‌نماید که قرآن فرموده است «وَمَنْ يُسْلِمْ وَجْهَهُ إِلَى اللَّهِ وَهُوَ مُحْسِنٌ فَقَدْ اسْتَمْسَكَ بِالْعُرْوَةِ الْوُثْقَى»^۳

آخر آنکه طلب معرفت اولی الامر را داشته باشد باید خود عامل به معروف - مطلق معروف - و عادل و صاحب مقام احسان یا شهود باشد تا شهد معرفت ولایت امر را به دل بجشد و به جان در آغوش کشد. لذا امر به معروف در مقام

۱- اصول کافی، ج ۱، ص ۴

۲- شرح چهل حدیث، امام خمینی، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ص ۶۲۶

۳- فص حکمة، عصمة فی کلمة فاطمية، علامه حسن زاده املی، ص ۲۸ و ۲۷

احسان و اقامه عدالت در مقام محسنین است که ره آوردی همچون اتصال جان مولی به ولی امر را به بار می آورد و سرّ حلقه عشق همین حُسن و احسان حضرت «المحسن» است که عشق الهی حضرت اباعبدالله الحسین را بر دل بندگان آزاده اش در هر عصر جاری می کند و از آدم الانبیاء تا خاتم اولیا بسته این ریسمان خونین رنگ هستند که «يَا حَمِيدُ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَ يَا ... وَ يَا قَرِيمَ الاحْسَانِ بِحَقِّ الْحُسَيْنِ» و تو خود حدیث مفصل بخوان از این مجمل ... و امام روح الله خمینی خود واسطه احسان حضرت «محسن» بود به دلشدگان دیار محبت که از قوم سلمان فارسی محمدی در طلّیعه طلوع آفتاب مهدوی، شهیدانی آخر الزمانی و فرزندان فاطمی و علوی به بوستان اسلام ناب احمدی و محمدی تقدیم نمود و الحقنا الله بهم انشاء ...

سلام و درود خدا و ملائکه اش بر مؤمنانی که امامشان مهدی آل الله است و رهبرشان حضرت روح الله.

فهرست تفصیلی

مقدمه ۷

فصل اول: انسان حقیقی و حقیقت انسانی

تعریف انسان ۱۵

انسان جانشین خداوند ۱۶

ابعاد وجودی انسان ۲۰

فصل دوم: عرفان حماسی طریق تکامل انسانی

سفرهای چهار گانه الهی ۲۳

قرب نوافل ۲۵

عشق و جهاد ۲۹

فلسفه شیطنت شیاطین ۳۱

قیام الله ۳۳

هجرت حسینی ۳۶

فصل سوم: امام خمینی قهرمان انسان کامل

قهرمان اسفار اربعه ۳۹

راه امام ، راه انبیاء ۴۰

مطابقت اسم و مسمی اولیاء حق ۴۳

عرفان و رهبری ۴۵

سیاست و دیانت ۴۷

امید آینده ایران ۵۰

فصل چهارم: روح الله - خلیفه الله

- ۵۳..... خلافت الهی
- ۵۵..... جهاد اکبر
- ۵۶..... عرفان ناب
- ۵۹..... اسیر عشق
- ۶۲..... نفحه روح الهی
- ۶۸..... عشق به روح الله

فصل پنجم: حقیقت همیشه زنده

- ۷۲..... رابطه عقل و عشق
- ۷۷..... روح بزرگ زمان
- ۷۸..... محی الدین
- ۷۹..... رویای صادق

فصل ششم: آیه الثقلین

- ۸۱..... حوض کوثر
- ۸۴..... هر شاه باید برود
- ۸۴..... هدایت پیر مرد معاند

فصل هفتم: نهضت خوین خمینی تجلی آرمان حماسه خمینی

- ۹۲..... فلسفه قیام سید الشهداء (ع)
- ۹۴..... کاروان نور

فصل هشتم: احادیث امامان و بشارتهای گذشتگان

زمینه سازان ظهور.....	۹۷
مردی از قم.....	۹۹
پرچمهای سیاه.....	۱۰۱
قم و مرجعیت شیعه.....	۱۰۴
پیشگونی امام صادق(ع).....	۱۰۵
فتح فلسطین.....	۱۰۷
وارثان حسین(ع).....	۱۱۰
توصیف یاوران امام خمینی(ره).....	۱۱۲
حزن و فرح اولیاء خدا.....	۱۱۴
فلسفه انتقام خون سید الشهداء(ع).....	۱۲۰
پیشگونی شاه نعمت ا... ولی.....	۱۲۱

فصل نهم: حکومت الهی ثمره نهضت حسینی

انگشت اشاره امام حسین(ع).....	۱۲۴
بزرگترین نعمت الهی.....	۱۲۵
عشق به خمینی، عشق به هم خویها.....	۱۳۰
خلوتگه عشق.....	۱۳۱

فصل دهم: حکومت اسلامی و ولایت فقیه ره آورد نهضت امام خمینی(ره)

ولایت و فقاہت.....	۱۳۳
ولایت تکوینی.....	۱۳۶
ولایت قانونی.....	۱۳۸

فهرست تفصیلی.....حضرت روح الله

۱۳۸.....	ستون اسلام.....
۱۴۰.....	ولی امر، حجت خدا.....
۱۴۲.....	جانشین امام زمان (عج).....
۱۴۴.....	امام خمینی، حجت خدا.....
۱۴۷.....	مجدد مذهب.....
۱۴۸.....	شرط توحید.....
۱۵۲.....	بهشت شهادت.....
۱۵۶.....	تجلی عشق.....
۱۵۸.....	حقیقت عشق.....
۱۶۲.....	راز فطرت و حمل امانت.....
۱۶۴.....	راه فنا.....
۱۶۷.....	ره صدساله.....
۱۶۸.....	نسیم جان فزا.....
۱۷۰.....	منتظران شهادت.....
۱۷۱.....	عشق و شهادت.....
۱۷۵.....	روح عاشورایی امام راحل.....
۱۷۷.....	آرزوی شهادت.....
۱۷۸.....	نفس مطمئنه.....
۱۸۱.....	شاهد شهود شهیدان.....
۱۸۴.....	فرزندان معنوی کوثر.....
۱۸۷.....	روزهای کربلای پنج.....
۱۸۹.....	حل شدن معمای عشق.....

حضرت روح الله..... فهرست تفصیلی

اطلاع از آینده انقلاب	۱۹۲
معرفت به اهل بیت	۱۹۷
معرفت به مقام امامت	۲۰۲
الفتم بین دلها	۲۰۴
خوشحالی حضرت صدیقه کبری (س)	۲۰۷

فصل یازدهم: ابتلائات و امتحانات الهی زندگی حضرت امام خمینی

مبارزه با فلسفه و عرفان	۲۱۰
تیرهای سپاه خودی	۲۱۲
وجوب مبارزه بر علیه پهلوی	۲۱۴
غربت امام در عراق	۲۱۹
شکوایه‌های امام راحل	۲۲۱
ابتلائات روزهای آخر	۲۲۹
نوشیدن جام زهر	۲۳۲

فصل دوازدهم: هجرت خورشید

رجعت روح الله به سوی خدا	۲۳۵
گریه ملک و ملکوت	۲۳۶
داغ بی تسلی	۲۳۷
کلیددار خزائن حیات	۲۳۸
استقبال آل الله از روح الله	۲۴۰
لقاء الله، دیدار یار	۲۴۱

منابع..... ۲۳۹